

متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شماره ۱۷۴ حافظ

مژده ای دل که دگر باد صبا باز آمد  
هدهد خوش خبر از طرف سبا باز آمد

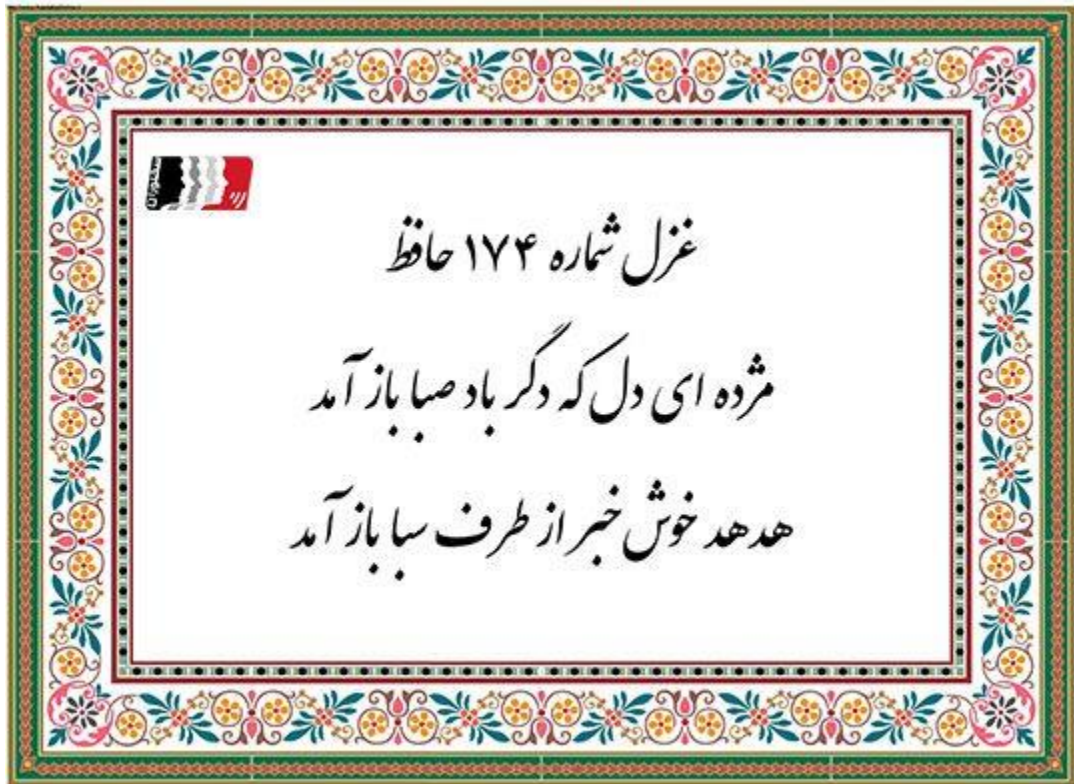
غزل ۱۷۴ حافظ با مژده ای دل که دگر باد صبا باز آمد آغاز می شود. وزن غزل مژده ای دل ، فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فع لن (بحر رمل مثنی مخبون اصلم) می باشد. در ادامه می توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را مشاهده کنید. در شرح و تفسیر از کتاب شرح سودی بوسنوی ، شرح حافظ دکتر خطیب رهبر، دکتر عبدالحسین جلالیان و شرح شوق دکتر حمیدیان بهره گرفته شده است.

آنچه در ادامه می خوانید:

۱- متن غزل

۲- شرح و تفسیر غزل

۳- معنی غزل و لغات



## متن غزل ۱۷۴ حافظ

مژده، ای دل، که دگر بادِ صبا باز آمد  
هدهدِ خوش‌خبر از طَرْفِ سَبَا باز آمد

بَرکش، ای مرغِ سَحَر، نغمه‌ٔ داوودی باز  
که سلیمانِ گُل از طَرْفِ هوا باز آمد

عارفی کو که کُند فِهْمِ زبَانِ سوسن؟  
تا بپرسد که چرا رفت و چرا باز آمد؟

مردمی کرد و کَرَم، بَخْتِ خداداد به من  
کان بتِ ماهرخ از راهِ وفا باز آمد

لاله بوی میِ نوشینِ بِشَنید از دَمِ صبح  
داغِ دل بود، به آمیدِ دَوَا باز آمد

چشمِ من در رهِ این قافلهٔ راه بماند  
تا به گوشِ دلم آوازِ دَرَا باز آمد

گر چه حافظِ دَرِ رَنجِش زد و پیمان بشکست  
لطفِ او بین، که به لطف از درِ ما باز آمد!

## شرح و تفسیر غزل ۱۷۴ حافظ

مژده، ای دل، که دگر بادِ صبا باز آمد  
هدهدِ خوش‌خبر از طَرْفِ سَبَا باز آمد

مژده [ م / د / د ] بشارت . خبر خوش

دگر [ دِ گَ ] مخفف «دیگر» است که به معنی باز باشد. لفظ دگر افادهٔ معنی عطف و تکرار کند. هم . باز. نیز. بار دیگر

باد صبا: بادی که از مشرق می وزد و پیام آور بین عاشق و معشوق است

هدهد: [ ه ه ] مرغ افسانه ای است که در دربار سلیمان میزیست . داستان این مرغ و پیام آوری او از سلیمان به جانب بلقیس  
ملکهٔ سَبَا در سورهٔ نمل آمده. شانه به سر

طرف: [ طَ ] در اصل به معنای گوشه و کنار چشم و در اینجا به معنای ساحل و کناره است

**سبا:** [ س ] نام شهر بلقیس که در نکاح حضرت سلیمان علیه السلام آمده بود و در ملک یمن است

**معنی بیت:** ای دل بشارت باد که باد صبا دوباره آمده و بوی جانان آورده است. هدهد خوش خبر هم از اطراف کشور سبا برگشته و خبر خوشی در راه است.

---

**بَرکَش، ای مرغِ سَحَر، نغمهٔ داوودی باز  
که سلیمانِ گُل از طَرَفِ هوا باز آمد**

اختلاف نسخ: در برخی نسخ به جای طرف، باد آمده است که به مرکب بودن باد برای حضرت سلیمان اشاره دارد: که سلیمان گل از باد هوا باز آمد

**برکشیدن:** [ بَک / کِ د ] برون دادن . برآوردن چنانکه خروش و ناله و نغمه و آواز و مانند اینها را

**مرغ سحر:** [ م س ح ] بلبل

**نغمهٔ داوودی:** مربوط به آواز خواندن داوود پیامبر است که به خوش صدایی مشهور بوده است

**معنی بیت:** ای بلبل، مانند آواز و نغمه داوود پیامبر، آوازی خوش بخوان که بوی خوش یار از هوا به مشام می رسد.

---

**عارفی کو که گُندِ فِهمِ زبانِ سوسن؟  
تا بپرسد که چرا رفت و چرا باز آمد؟**

**عارف:** [ ر ] دانا، آگاه، حکیم

**زبان سوسن:** [ س ] گلبرگ های سوسن به شکل زبان است و نوعی از آن که سفید است و ده گلبرگ دارد را سوسن ده زبان هم می گویند. به گل سوسن، صفت های انسانی چون زباندانی، آزادگی و همچنین موجودی دارای فهم و فراست و البته حساس تصویر شده است و گاهی هم متفکر و تودار نشان داده شده که نیاز به درک و فهم دارد

**معنی بیت:** آیا فرد دانا و حکیمی پیدا نمی شود که راز گل سوسن را درک کند و از او بپرسد که چرا پژمرد و از باغ و بستان رفت و دوباره شکفت و باز آمد. به قول سهراب سپهری که می گوید: چرا مردم نمی دانند که لادن اتفاقی نیست. شاید خواجه دارد متذکر می شود که: در چمن هر ورقی دفتر حالی دگر است / حیف باشد که ز حال همه غافل باشی

---

مردمی کرد و کرم، بختِ خداداد به من  
کان بتِ ماهرخ از راهِ وفا باز آمد

اختلاف نسخ: در برخی نسخ به جای بخت، لطف آمده است: "مردمی کرد و کرم، لطف خداداد به من". همچنین در برخی نسخ در مصرع دوم به جای از راهِ وفا، از بهر خدا آمده است: کان بت ماه رخ از بهر خدا باز آمد

مردمی: [م د] بزرگواری . مهربانی . عطوفت . کرم . نیکی . مدارا و نرمی ، سخاوت

کرم: [ک ر] جوانمردی، مروت

بخت: [ب] طالع، اقبال، دولت

خداداد: [خ] فطری، ذاتی

بت: [ب] صنم . کنایه از معشوق خوبرو و زیباست

ماهرخ: [ر] زیباروی

معنی بیت: بخت و اقبال با من یار بود که آن معشوقِ زیبارویِ سنگدل، با من بر سر مهر آمد.

---

لاله بوی می نوشین بشنید از دم صبح  
داغ دل بود، به امید دوا باز آمد

لاله: نوعی گل سرخ که میان آن لکه های سیاه دارد و به آن لال داغدار هم گویند

می نوشین: شراب خوشگوار

دم: [د] ایهام دارد و به معنی نفس، بوی و لحظه است

داغ دل: [د] سوخته دل . دل شکسته . مصیبت عظیم دیده را گویند عموماً و مصیبت فرزند را خصوصاً . تعبیری است از خال یا لکه سیاه درون لاله (و شقایق) . در دکلمه شعر می توان هم به صورت داغ دل و هم داغ دل خوانند

دوا: [د] مجازاً، درمان . معالجه . طبابت . مداوا . علاج . چاره

معنی بیت: لاله از بوی نسیم صبحگاهی، بوی شرابِ گوارا شنید و برای درمان و علاج دل سوخته اش به باغ آمد و شکفته شد.

---

چشم من در ره این قافله ُ راه بمآند  
تا به گوشِ دلم آوازِ درآ باز آمد

چشم به راه ماندن :منتظر خبر آمدن کسی بودن

آواز درآ : [ د ] صدای زنگ بزرگ کاروان

معنی بیت : آنقدر چشم انتظار این قافله که آرام جانم در آن است ماندم تا زمانی که صدای زنگ بازگشت کاروان به گوشم رسید.

---

گر چه حافظِ درِ رنجش زد و پیمان بشکست  
لطفِ او بین، که به لطف از درِ ما باز آمد!

رنجش : [ ر ج ] آزدگی || اندوه . دلتنگی . ملالت || خشم . قهر . غضب . || محنت . مشقت

پیمان : منظور پیمان صلاح و تقوا است

لطف : مهربانی، صلح، آشتی، مدارا

معنی بیت : اگر چه حافظ، دلتنگی و محنت و مشقت بسیار کشید و پیمان صلاح و تقوا را زیر پا نهاد، ولی کرم یار ببین که با مدارا و مهربانی، طالب صلح و آشتی شد.

---

نویسنده: دکتر زند